

موازنه تهدید در روابط سیاسی جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا

علی آدمی^۱

سید امیر سینا نورانی*

۱۱۵

پژوهش‌های بین‌المللی
روابط بین‌الملل

فصلنامه

پژوهش‌های

روابط بین‌الملل،

دوره نهم، شماره

پیاپی سی و پنجم،

زمستان ۱۳۹۸

ویژه‌نامه تحولات

منطقه‌ای و

بین‌المللی

چکیده

روابط ایران و آمریکا پس از انقلاب اسلامی یکی از پر تنش‌ترین روابط سیاسی معاصر را شکل داده است و اتخاذ و اجرای هر تصمیم درباره این روابط منوط به شناخت، توجیه و کاربست نظریه متناسب با آن است. کاربست نظریه مناسب خصوصاً درباره روابط ایران و آمریکا سبب می‌گردد تا فضای فکری تصمیم‌گیران در چارچوب مناسبی قرار گیرد و تحت این چارچوب تصمیمات مقتضی گرفته شود و نه اینکه با رؤیایپردازی و برداشت‌های نادرست، تصمیماتی نامناسب در این باب اتخاذ گردد. بر این اساس در این پژوهش بدنبال پاسخ به این سؤال هستیم که روابط سیاسی ایران و ایالات متحده در چارچوب نظریه موازنه تهدید چگونه قابل توجیه است؟ فرضیه اینکه با توجه به وجود هر چهار وجه تهدید معرفی شده توسط استفن والت - (قدرت، جغرافیا، توانایی‌های نظامی و مقاصد تهاجمی) که با وجود آن‌ها موازنه صورت می‌گیرد- در روابط ایران و آمریکا، روابط دو کشور در چارچوب این نظریه قابل توجیه است. در این پژوهش قصد بر این است تا با استفاده از روش علمی-تجربی کاربست نظریه موازنه تهدید در روابط میان جمهوری اسلامی ایران را مورد بررسی قرار دهیم.

واژگان کلیدی: موازنه تهدید، روابط ایران و آمریکا، نیت تهاجمی، توانایی نظامی، قدرت منطقه‌ای.

۱. دانشیار روابط بین‌الملل، گروه روابط بین‌الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران.

۲. دانش‌آموخته مطالعات منطقه‌ای با گرایش آمریکا شمالی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران.

* Seyednour73@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۲۲

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره نهم، پیاپی ۳۵، «ویژه‌نامه»، صص ۱۴۴-۱۱۵

مقدمه

در طول دوران پس از انقلاب اسلامی روابط سیاسی میان ایران و آمریکا با فراز و فرودهای بسیاری همراه بوده است. اما نکته حائز اهمیت ناپایدار بودن هرگونه توافق میان دو طرف در مسائل گوناگون و برخوردها و تنش‌های مختلف با یکدیگر در طی این دوران است. از توافق الجزایر در ابتدای انقلاب گرفته تا برجام در همین اواخر، هیچ‌گاه توافقات میان دو طرف دوام نداشته و بنا به دلایل مختلفی از هم پاشیده‌اند. درباره چرایی این اتفاق بایستی ابتدا مشخص گردد که دو کشور تحت چه نظام فکری نسبت به یکدیگر می‌اندیشند و طبق کدام چارچوب نظری، روابط میان ایران و آمریکا طی این دوران قابل توجیه است و پاسخ کاملی به چرایی بقای این تنش‌ها می‌دهد. نگارندگان این پژوهش بر این باورند که نظریه موازنه تهدید استفن والت ویژگی‌های لازم برای توجیه روابط میان ایران و آمریکا را داراست و بر این اساس سؤال اصلی پژوهش این است که روابط سیاسی ایران و ایالات متحده در چارچوب نظریه موازنه تهدید چگونه قابل توجیه است؟ فرضیه اینکه با توجه به وجود هر چهار وجه تهدید معرفی شده توسط استفن والت - (قدرت، جغرافیا، توانایی‌های نظامی و مقاصد تهاجمی) که با وجود آن‌ها موازنه صورت می‌گیرد - در روابط ایران و آمریکا، روابط دو کشور در چارچوب این نظریه قابل توجیه است.

در این پژوهش قصد بر این است تا با استفاده از روش علمی - تجربی کاربست نظریه موازنه تهدید در روابط میان جمهوری اسلامی ایران را مورد بررسی قرار دهیم. یافته‌ها نشان می‌دهد که ایران و آمریکا کاملاً نسبت به یکدیگر مسئله تهدید و هر چهار وجه آن را حس می‌کنند و بر اساس آن نسبت به یکدیگر دست به موازنه می‌زنند و از این جهت روابط آن‌ها تحت نظام ذهنی امنیتی شکل قرار دارد و نظریه موازنه تهدید مناسب‌ترین نظریه برای توصیف و توجیه روابط سیاسی فعلی دو کشور است. پس در این پژوهش ابتدا نظریه موازنه تهدید استفن والت مورد بررسی قرار می‌گیرد و در مرحله بعد کاربست این نظریه در روابط میان ایران و آمریکا در شرایط موجود - خصوصاً پس از خروج آمریکا از برجام - تجزیه و تحلیل می‌گردد.

۱. چارچوب نظری: موازنه تهدید

نظریه موازنه تهدید در چارچوب کلی واقع‌گرایی تدافعی توسط استفن والت نظریه‌پرداز مشهور مطرح شده است. توازن در چارچوب نظری والت به ضرورت ترس و نه صرف انباشت قدرت شکل می‌گیرد. آنچه توازن را ضروری می‌کند نیت خصمانه و بنا به تعبیری "تلاش برای جایگزینی قدرت برتر" است. بنا به تعبیری دیگر صرف افزایش قدرت چالش‌گر به تنهایی ایجادگر توازن نیست بلکه ماهیت قدرت کشور در حال صعود است که موازنه را لازم می‌نماید. لذا معادله شامل قدرت و نیت صاحبان قدرت است. در تعریف والت، سعی دولت‌ها افزایش توانمندی نسبی خود در رابطه با دیگر دولت‌ها است و در غیر این صورت دولت‌ها به نقطه‌ای می‌رسند که مجبورند در برابر متجاوزی با قدرت فزاینده تسلیم شوند تا از هزینه‌های غیرضرور یا شکست جلوگیری نمایند (دهشیار، ۱۳۹۱: ۲۹۷).

والت باور دارد که کشورها بر پایه توازن قوا عمل نمی‌کنند بلکه توازن تهدید را ملاک قرار می‌دهند. (مصلی‌نژاد، ۱۳۹۰: ۱۴۷) وی خود در مصاحبه‌ای اعلام نمود که "دولت‌ها موازنه را نسبت به بزرگ‌ترین تهدیدات علیه امنیت خود اجرا و در پی متعادل نمودن آن‌ها هستند". (Yale Journal, 2010/07/20).

استفن والت بر این عقیده است که دولت‌ها در برابر تهدیدات است که اقدام به موازنه می‌کنند و نه تمامی قدرت‌های خارجی و آنچه منجر به ضروری‌سازی توازن است وجود نیت خصمانه و به عبارتی تلاش برای جایگزینی قدرت برتر است. "قدرت یک بخش مهم از معادله است اما تنها عنصر شکل دهنده آن نیست" چراکه معادله شامل قدرت و نیت صاحبان قدرت است. پس تأکید والت مبنی بر توازن وحشت (تهدید) است و ضرورت موازنه، ترس و وحشت از نیت بازیگر دارای قدرت است (دهشیار، ۱۳۹۱: ۲۹۸-۲۹۷). حتی اگر دولتی که صرفاً بدنبال بقای خود است بدون آنکه از نیت و توانمندی رقبای خود باخبر باشد نمی‌تواند استدلال کند که تهدیدی وجود دارد و در برابر آن بایستی موازنه ایجاد کرد. لذا این تهدیدات به همان میزان که شامل توانایی‌ها می‌شوند، شامل نیت آن‌ها نیز می‌گردند. مثلاً رفتار آمریکا نسبت به تسلیحات هسته‌ای بریتانیا یا فرانسه یا سایر متحدینش کاملاً متفاوت از رفتاری است که نسبت به تسلیحات

هسته‌ای کره شمالی (حتی ایران) دارد. (برچیل، لینکلتر، ۱۳۹۵: ۶۲) مطالعات والت که بر روند اتحادها و ائتلاف‌های قرن بیستم متمرکز بوده این امر را اثبات نمود که کشورها نه در برار قدرت بلکه در برابر تهدید است که موازنه‌سازی کرده‌اند. هدف آن‌ها این است که با توازن‌سازی در برابر کشور (های) تهدید کننده، زمینه‌های ضروری را در جهت به وجود آوردن ثبات، امنیت و تعادل ایجاد کنند. لذا عامل اصلی مؤثر بر سیاست خارجی کشورها بر اساس درجه تهدیداتی شکل می‌گیرد که بازیگران رقیب برای افزایش قدرت و امنیت خود به ضرر سایر کشورها ایجاد می‌کنند (مصلی‌نژاد، ۱۳۹۰: ۱۵۰-۱۴۷).

مسلم است که کشورها -خصوصاً در محیطی که امنیت مهم‌ترین ارزش است- در تخصیص منابع خود به فعالیت‌های نظامی، میزان یکسانی را صرف نمی‌کنند و این مسئله تفاوت قدرت، رقابت و تقابل را به همراه دارد و آنچه موجب تشویش اذهان در این باره شده است ماهیت قدرت، جهت‌گیری آن و نیت صاحب (ان) قدرت است. (دهشیار، ۱۳۹۱: ۲۹۸-۲۹۷) بر این اساس تهدیدی که والت مطرح می‌کند ترکیبی است از قدرت تهاجمی دولت، توانایی‌های نظامی، نزدیکی جغرافیایی و نیت خصمانه و تجاوزگرایانه احتمالی رقیب؛ لذا تأکیدی که والت دارد حول محور تصورات و برداشتهای دولت‌ها از یکدیگر است. یعنی در تعریف وی آن چیزی در روابط میان دولتی مهم است که شامل برداشت آن‌ها از یکدیگر است و نه فقط میزان توانایی هرکدام از آنان (مشیرزاده، ۱۳۹۵: ۱۳۵-۱۳۴). وی در کتاب "ریشه‌های اتحاد" بیان کرده است که ایجاد توازن به صورت عمومی و معمول بر حسب توانایی‌هایی است که ساخته می‌شوند... اما به منظور درک سایر عواملی که دولتیان در زمان اتخاذ تصمیم در نظر می‌گیرند، با وجود آنکه قدرت قسمتی بسیار مهم است اما تنها بخش نیست. (Walt, 1997: 933) پس بنا بر عقیده والت درجه‌ای که کشوری را تهدید می‌کند از ۴ عامل پیروی می‌کند:

۱- ارزیابی قدرت کشورها: هرچه قدرت رقیب (متجاوز) بیشتر باشد بدیهی است که بیشتر خطرناک است. (دهشیار، ۱۳۹۱: ۲۹۹) این قدرت شامل متغیرهای مربوط به توانمندی‌های مادی کشورها (جمعیت، وسعت، اقتصاد و سایر عوامل ژئوپولیتیکی) بوده و از عوامل تعیین‌کننده میزان قدرت کشورها به حساب می‌آیند (مصلی‌نژاد، ۱۳۹۰: ۱۵۲).

۲- نزدیکی جغرافیایی: این مورد بر این امر تأکید دارد که هرچه بازیگر رقیب نزدیک‌تر باشد خطرناک‌تر است. (دهشیار، ۱۳۹۱: ۲۹۹) از نظر والت عموماً تهدید هر میزان که نزدیک‌تر باشد کشورها آنرا به شکل ملموس‌تری درک می‌کنند. (مصلی‌نژاد، ۱۳۹۰: ۱۵۳) وی بر این باور است: "در صورت برابر بودن سایر شرایط، آن کشورهایی که در فاصله جغرافیایی نزدیک‌تری باشند از کشورهایی که فاصله دورتری دارند خطرناک‌تر هستند". (Yale Journal, 2010/07/20)

۳- قابلیت تهاجمی: والت بر این باور است که "کشورهایی که توانمندی نظامی تهاجمی گسترده‌ای دارند از آن نیروهای نظامی که عمدتاً برای دفاع از قلمرو خود مناسب‌اند خطرناک‌تر هستند". (Yale Journal, 2010/07/20) این بدان معناست که هرچه توانمندی و قابلیت نظامی رقیب بیشتر باشد خطر وی بیشتر است؛ (دهشیار، ۱۳۹۱: ۲۹۹) و احساس نگرانی و تهدید سایر بازیگران نسبت به آن کشور به همان اندازه بالا می‌رود. بدین ترتیب سومین شاخص مورد نظر والت در تهدید منطقه‌ای را می‌توان «توانایی تهاجمی» بازیگرانی دانست که به‌دنبال برهم زدن موازنه هستند (مصلی‌نژاد، ۱۳۹۰: ۱۵۴).

۴- نیت (مقاصد) تهاجم: دولت‌هایی که مقاصد تهاجمی واضحی دارند، نسبت به کسانی که در وهله اول در پی حفظ شرایط موجود هستند، تمایل بیشتری به تحریک مخالفان (قدرت‌های رقیب) دارند. (Yale Journal, 2010/07/20) این مسئله را والت بیان نموده و بدان معناست که هرچه نیت خصم‌آلود بازیگری بیشتر باشد خطر و تهدید نیز بدنبال آن سخت‌تر است (دهشیار، ۱۳۹۱: ۲۹۹). بنابراین میان میزان تهدید و نیت تهاجمی کشورها رابطه مستقیم وجود دارد و هر چه بازیگری نیت تهاجمی بیشتری از خود نشان دهد، تهدید درک شده از وی توسط سایر کشورها به همان اندازه بالا می‌رود (مصلی‌نژاد، ۱۳۹۰: ۱۵۵).

والت تأکید می‌کند: "موازنه یک فرآیند فوری یا اتوماتیک نیست" (Bock and Henneberg, 2013: 7) و موازنه در مقابل قدرت رقیب تهدیدکننده این معنی را می‌دهد که دولت‌ها در برابر دولت تهدیدکننده متحد گردند و اقدام به ایجاد اتحاد یا ائتلاف نمایند (مشیرزاده، ۱۳۹۵: ۱۳۵-۱۳۴). لذا از نظر والت یک اتحاد، آرایش رسمی

یا غیر رسمی برای همکاری‌های امنیتی بین دو یا چند دولت مستقل است و دولت‌ها عمدتاً به منظور موازنه‌سازی در برابر تهدیدات بزرگ، نیروهایشان را با یکدیگر ادغام و متحد می‌نمایند (قوام، ایمانی، ۱۳۹۱: ۴۲-۵۸). اما بایستی توجه نمود دولت‌هایی که یا ضعیف‌ترند و یا گمان می‌برند پیروزی یک طرف محتمل‌تر است، احتمالاً سیاست همراهی^۱ با آن طرف را پیاده می‌سازند (مشیرزاده، ۱۳۹۵: ۱۳۵-۱۳۴).

احتمال اتخاذ موازنه هنگامی که اولاً دولت‌ها نیرومندتر باشند یا ثانیاً احتمال کسب حمایت سایر متحدان خود را بیشتر بدانند و ثالثاً هرچه دولت رقیب تهدیدکننده متجاوزتر تصویر و ترسیم شود، بیشتر می‌شود (مشیرزاده، ۱۳۹۵: ۱۳۵-۱۳۴). اما اتحادها در کل تعهدی برای حمایت متقابل نظامی در مقابل برخی از بازیگران خارجی در بعضی از شرایط ویژه است. این بدان معناست که دولت‌ها در واکنش به تهدیدات خارجی است که با یکدیگر ایجاد اتحاد می‌کنند. البته بایستی توجه داشت که منظور از تهدید آن دسته از تهدیداتی است که موجودیت یا منافع دولت‌ها را به شکلی کاملاً جدی تحت‌الشعاع قرار می‌دهند. وجود چنین تهدیدی است که در پاگرفتن اتحادها مؤثر واقع می‌شوند و برای هر تهدیدی اتحاد ایجاد نمی‌شود. (قوام، ایمانی، ۱۳۹۱: ۴۲ و ۵۴-۵۱) لذا والت بر این امر معتقد است که: "به جای تصور اتحاد صرفاً بعنوان واکنش به تغییر در توازن قدرت، تمرکز بر نحوه واکنش دولت‌ها به تهدیدات، مناسب‌تر است" (Priess, 1996: 147).

درباره اتمام اتحادها والت مواردی را مطرح می‌کند که می‌تواند منجر به ختم اتحادها شود. یکی از این موارد این است که در بین اعضای یک اتحاد تغییرات مهمی از تهدید به وجود بیاید و این مسئله که درجه و اندازه تهدید کم شده در میان آن‌ها القا شود. علاوه بر این قوی شدن بیش از حد عضوی از اتحاد می‌تواند به انحلال آن اتحاد بینجامد. همچنین عامل دیگری که ائتلاف را در معرض نابودی می‌سازد تغییر در عقاید و باورهای کشور عضو اتحاد نسبت به نیت سایر اعضا اتحاد است. به‌طور کلی با توجه به این امر که اتحادها به منظور بالا رفتن امنیت اعضایش ایجاد می‌گردد، هر مسئله‌ای که منجر به ایجاد شک و تردید نسبت به آن شود اعضا را به خروج از این اتحاد تشویق

می‌کند. در شرایطی که سطح تهدید تغییری نکند ولی کشورهای عضو اقدامات فعلی برای تضمین امنیت خود را کافی ندانند، اتحاد متزلزل شده و اعتبار خود را در معرض خطر می‌بیند. نهایتاً فرآیندهای سیاسی درون یک کشور - دموگرافیک و سوگیری‌های اجتماعی، رقابت‌های داخلی، تغییر رژیم و اختلافات ایدئولوژیک - می‌تواند منجر به ختم و از بین رفتن اتحادها شود (قوام، ایمانی، ۱۳۹۱: ۶۰-۵۸).

۲. موازنه تهدید در روابط ایران و آمریکا

حال پس از بررسی نظریه والت به کاربست و تطابق آن با روابط سیاسی ایران و آمریکا خصوصاً بعد از خروج آمریکا از برجام می‌پردازیم. نظریه موازنه تهدید به صورت کاملاً واضحی نمایانگر روابط دو کشور در شرایط کنونی است. مطالعه سیر روابط دو کشور نشان داد که آن‌ها کاملاً نسبت به یکدیگر بدبین بوده و در فضای بی‌اعتمادی و خصومتی درازمدت قرار دارند. همانگونه که پیشتر اشاره شد ۴ درجه برای تهدید وجود دارد که بر اساس آن موازنه لازم می‌شود. این ۴ درجه در رابطه با ایران و آمریکا کاملاً صادق است.

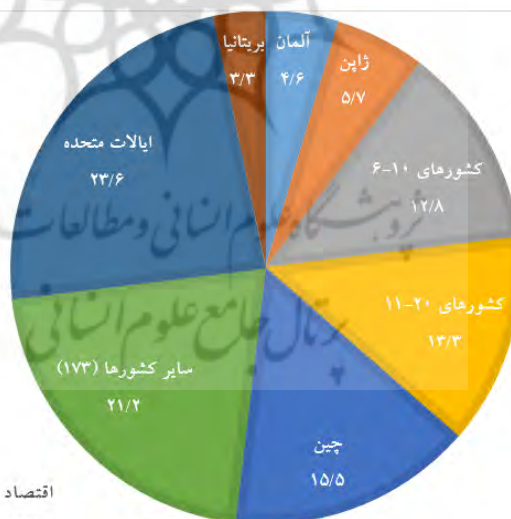
۱-۲. ارزیابی قدرت کشور

آمریکا طبیعتاً قدرت برتر نظام بین‌الملل است و ایران هم قدرت برتر منطقه‌ای در خاورمیانه و غرب آسیاست. دلار آمریکا مهم‌ترین ارز مبادلاتی در جهان است به‌نحوی که تنها در سال ۲۰۱۶ تقریباً ۸۸٪ مبادلات تجاری دنیا با دلار سر و کار داشته‌اند و بنابراین دلار آمریکا در اصل واحد پول مبادلات جهانی است. (Thiha Tun, 2019/06/25) تولید ناخالص داخلی آمریکا در سال ۲۰۱۹ برابر با ۲۱ هزار و ۳۴۵ میلیارد دلار اعلام شد که با فاصله زیادی رتبه اول جهان را به خود اختصاص داده است (معاونت دیپلماسی اقتصادی وزارت امور خارجه، ۱۳۹۸/۰۲/۰۹). این تولید به حدی است که مثلاً ایالت کالیفرنیا به اندازه کل فرانسه یا تگزاس به اندازه کل کانادا تولید ناخالص داخلی دارند (Amadeo, 2019/06/25). همچنین بنابر داده‌ها در سال ۲۰۱۸ آمریکا بزرگترین وارد کننده و دومین صادر کننده جهان است.

رتبه	صادرات	ارزش	سهم	درصد تغییرات سالیانه	رتبه	واردات	ارزش	سهم	درصد تغییرات سالیانه
۱	چین	۲۴۸۷	۱۲٫۸	۱۰	۱	ایالات متحده	۲۶۱۴	۱۳٫۲	۹
۲	ایالات متحده	۱۶۶۴	۸٫۵	۸	۲	چین	۲۱۳۶	۱۰٫۸	۱۶
۳	آلمان	۱۵۶۱	۸	۸	۳	آلمان	۱۲۸۶	۶٫۵	۱۱
۴	ژاپن	۷۳۸	۳٫۸	۶	۴	ژاپن	۷۴۹	۳٫۸	۱۱
۵	هلند	۷۲۳	۳٫۷	۱۱	۵	بریتانیا	۶۷۴	۳٫۴	۵
۶	کره جنوبی	۶۰۵	۳٫۱	۵	۶	فرانسه	۶۷۳	۳٫۴	۹
۷	فرانسه	۵۸۲	۳	۹	۷	هلند	۶۴۶	۳٫۳	۱۲
۸	هنگ کنگ	۵۶۹	۲٫۹	۳	۸	هنگ کنگ	۶۲۸	۳٫۲	۶

صادرکنندگان و واردکنندگان پیشتاز در تجارت کالایی در جهان (۲۰۱۸) (میلیارد دلار و درصد)
(WORLD TRADE ORGANIZATION, 2019: 100)

اقتصاد آمریکا به تنهایی ۲۳٫۶٪ از اقتصاد جهانی را شکل می‌دهد.



اقتصاد کشورها در اقتصاد جهانی (%)

منبع: IMF

(Silver, 2019/06/07)

فصلنامه

پژوهش‌های

روابط بین‌الملل،

دوره نهم، شماره

پیاپی سی و پنجم،

زمستان ۱۳۹۸

ویژه‌نامه تحولات

منطقه‌ای و

بین‌المللی

همچنین آمریکا یکی از بالاترین منابع طبیعی را داراست. هزاران هکتار زمین حاصلخیز، مقدار بسیار زیاد آب شیرین، منابع نفتی فراوان، زغال سنگ و گاز طبیعی، وجود دو خط ساحلی بزرگ برای تجارت و... همچنین آمریکا دارای سیستم سیاسی، پولی و زبانی واحد است که امکان قدتمندتر شدن را برای آمریکا فراهم نموده است. مزیت دیگر آمریکا وجود جمعیت فراوان و متنوع است (Amadeo, 2019/06/25).

آمریکا در بعد نظامی برترین قدرت نظامی جهان است. بودجه نظامی آمریکا در سال ۲۰۱۹ رقمی حدود ۶۹۵ میلیارد دلار است که برای سال ۲۰۲۰ دولت خواستار افزایش پنج درصدی این رقم شده است (Macias, 2019/03/12). افزون بر آن آمریکا دارای دو همسایه است که هر دو صلح طلب بوده و بر این اساس آمریکا لازم ندارد تا از مرزهای خود در برابر مهاجم خارجی همسایه دفاع کند (Amadeo, 2019/06/25).

این‌ها جلوه‌هایی از قدرت آمریکا در ارزیابی قدرت این کشور به‌عنوان یکی از قدرت‌های برتر جهانی است. اما ایران نیز دارای قدرتی جامع است که وی را قادر به ایفای نقش منطقه‌ای بسیار مؤثر در خاورمیانه نموده و به‌عنوان قدرت منطقه‌ای در سطح جهان پذیرفته شده است. نیروهای نظامی ایران یکی از توانمندترین ارتش‌های جهان بوده که علاوه بر سلاح‌های متعارف مانند زیردریایی، تانک، کشتی و... دارای توانمندی موشکی بسیار قدرتمندی می‌باشد و حتی توانسته موشک‌های بالستیک قدرتمندی تولید نماید. بعلاوه از لحاظ اقتصادی ایران دارای توانایی بالایی است که عمدتاً بنا به موقعیت جغرافیایی خود است؛ به‌نحوی که حتی با وجود سالیان متمادی تحریم و فشار اقتصادی، ایران توانسته به فعالیت‌های خود ادامه دهد و اقتصاد خود را هم‌چنان پابرجا نگه دارد. در سطح جهانی بازار نفت ایران در میان پنج کشور برتر قرار دارد که ظرفیت تولید ۴ میلیون بشکه نفت را در روز دارد. همچنین ذخایر گاز ایران به تنهایی ۱۷,۵٪ کل ذخایر گاز جهانی را شامل می‌شود. (Raouf, 2019: 246-248)

یکی دیگر از ابزارهای قدرت منطقه‌ای ایران تسلط بر تنگه راهبردی هرمز و برخورداری از سواحل طویل در خلیج فارس و دریای عمان است. این تنگه در اصل

۱. برای مشاهده اطلاعات دقیق توانمندی نظامی آمریکا مراجعه شود به:

https://www.globalfirepower.com/country-military-strength-detail.asp?country_id=united-states-of-america#manpower

شاهراه تأمین انرژی جهان است و تسلط بر آن یکی از ابزارهای ژئوپولیتیک قدرت ایران محسوب می‌گردد. همچنین ایران در منطقه‌ای از جهان قرار گرفته که در تولید انرژی دنیا نقش حیاتی را بازی می‌کند و به نوعی در هارت‌لند انرژی دنیا قرار دارد: از شمال دریای خزر و در جنوب خلیج فارس. این مسئله اما علاوه بر اینکه ابزار قدرت ایران است موجب هراس و احساس تهدیدی برای کشورهای خاورمیانه شده است و آن هم این است که ایران در پی ساختن امپراطوری شیعه است و آرزوی ایجاد هلال شیعی در منطقه را دارد (گل‌کرمی و هم‌کاران، ۱۳۹۷: ۴۳-۵۳).

همچنین فرهنگ عامل دیگر قدرت منطقه‌ای ایران است. اکثر کشورهای هم‌سایه ایران متأثر از فرهنگ و تمدن ایرانی هستند. این مسئله به نحوی است که ایران بیشترین میزان قدرت نرم‌افزاری و نفوذ فرهنگی را در میان ملت‌های غرب و جنوب‌غربی آسیا داراست. بعلاوه بایستی افزود که ایران در کانون ژئوپولیتیک شیعه قرار گرفته و به‌عنوان پایگاه اصلی شیعه در جهان در کنار ماهیت نظام سیاسی ایدئولوژیک خود یعنی اسلام سیاسی توانسته است حوزه نفوذ خود را در منطقه به‌ویژه کشورهایی با جمعیت شیعه بالا-خصوصاً عراق، سوریه، لبنان، یمن و بحرین- گسترش دهد. افزون بر آن حدود ۷۰٪ جمعیت سواحل خلیج فارس شیعه هستند و این ابزار بسیار قوی برای نفوذ سیاسی در این کشورهاست (گل‌کرمی و هم‌کاران، ۱۳۹۷: ۵۰-۵۱). بر این اساس، ایران با ابزارهای قدرت نرم خود مانند ایدئولوژی و مداخله در معادلات منطقه‌ای کاستی‌های توانایی مادی خود را جبران کرده و نقش اصلی را در منطقه ایفا می‌کند. ایران همچنین بنا به دلیل نگرانی‌های امنیتی به گسترش توانمندی نظامی خود خصوصاً درباره موشک‌ها دست زده است و در خلیج فارس با توجه به نگرانی‌هایی که دارد تهدید به بستن تنگه هرمز و اقدامات نظامی در خلیج فارس نموده است. (Raouf, 2019: 248)

ناتو در گزارشی که در سال ۲۰۱۶ ارائه نمود بر قدرت ایران تأکید کرد. در این گزارش اشاره شده است که ایران کشوری مطمئن‌تر از سال‌های گذشته است که با وجود قیمت پایین نفت و تحریم‌های بین‌المللی به قدرت منطقه‌ای تبدیل شده و بر چندین کشور اثر می‌گذارد (Karagiannis, 2016/02/24). لذا هر دو طرف نسبت به قدرت دیگری احساس خطر اما با درجات متفاوت دارند.

۲-۲. نزدیکی جغرافیایی

فاصله ایران و آمریکا از لحاظ جغرافیایی حدود ۱۱,۰۰۰ کیلومتر است و این فاصله در ظاهر یکی از چهار مؤلفه تهدید میان ایران و آمریکا را از بین می‌برد.



۱۲۵

پژوهش‌های بین‌المللی
روابط بین‌الملل

موازنه تهدید در
روابط سیاسی
جمهوری اسلامی
ایران و
ایالات متحده آمریکا

اما آمریکا در خاورمیانه و غرب و جنوب غرب آسیا و در اکثر کشورهای هم‌سایه ایران پایگاه نظامی داشته و عملاً دو کشور حداقل از لحاظ نظامی هم‌سایه یکدیگر هستند و همین امر منجر به تقویت مؤلفه نزدیکی جغرافیایی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های تهدید در میان ایران و آمریکا شده است. بنابر اعلام بنیاد هریتیج آمریکا به‌تنهایی چند ده هزار نیرو نظامی در خاورمیانه دارد. حدود ۱۳,۵۰۰ نیرو در کویت، ۵,۰۰۰ نیرو در امارات، ۷,۰۰۰ نیرو در بحرین، ۱۰,۰۰۰ نیرو در قطر، بیش از ۲,۷۰۰ نیرو در اردن و... تنها تخمینی از نیروهایی است که آمریکا در خاورمیانه دارد. (The Heritage Foundation, 2019/10/30) تصویر زیر پایگاه‌های نظامی آمریکا را در خاورمیانه و بخشی از آسیا مرکزی را نشان می‌دهد.



(مناطق ستاره‌دار پایگاه‌های آمریکاست) (Klein, 2018)

بعلاوه اندیشکده چتم هاوس در تخمینی تعداد نیروهای نظامی آمریکا در خاورمیانه را برآورد کرده است:

پژوهش‌های
روابط بین‌الملل



(Zenko, 2018)

مقامات ارشد نظامی ایران و آمریکا بر تهدید نزدیکی جغرافیایی دو کشور تأکید دارند. مثلاً سردار حاجی‌زاده فرمانده هوا فضای سپاه پاسداران پس از سرنگونی پهباد MQ-4 آمریکا بیان نمود: "نه ما و نه آمریکا قصدی برای جنگ نداریم البته ممکن است

فصلنامه

پژوهش‌های

روابط بین‌الملل،

دوره نهم، شماره

پیاپی سی و پنجم،

زمستان ۱۳۹۸

ویژه‌نامه تحولات

منطقه‌ای و

بین‌المللی

نیروهای در میدان که در تماس با هم هستند، دست به چنین اقدامی بزنند که در این صورت ممکن است جنگی شروع شود" (خبرگزاری تسنیم، ۱۳۹۸/۰۶/۲۴). با وجود اعلام ترامپ به خروج نیروهای آمریکا از خاورمیانه و اقدام در این راستا خصوصاً در افغانستان و عراق، اما در ماه می ۲۰۱۹ آمریکا اعلام نمود که ۱۵۰۰ نیرو نظامی جدید را برای مقابله با اقدامات ایران به منطقه اعزام می‌کند (Karasz, 2019/05/25). لذا این مؤلفه همچنان میان ایران و آمریکا باقی است.

۲-۳. قابلیت تهاجمی

آمریکا همانگونه که ذکر شد دارای پایگاه‌های بسیاری در اطراف ایران است و این خود گویای احساس خطر ایران نسبت به نیروی نظامی آمریکاست. بالعکس این امر نیز وجود دارد و آمریکا هم از قدرت نظامی و تهاجمی ایران دچار هراس است و آن را تهدیدی علیه امنیت ملی خود می‌داند؛ چنانکه در ارائه شروط ۱۲ گانه برای ایران، اکثر این شروط مربوط به فعالیت‌های منطقه‌ای ایران در خاورمیانه و لزوم کاهش قابلیت تهاجمی ایران (خصوصاً توانایی موشکی) است. شکل زیر برد برخی موشک‌های منتخب بالستیک ایران -سومار و شهاب ۱ و ۲ و ۳- را نشان می‌دهد:



(iiss.org, November 2019)

۱. برای مشاهده دقیق شروط به صورت خلاصه مراجعه کنید به:

<https://fa.euronews.com/2018/05/21/what-are-usa-pompeo-conditions-for-possible-news-deal-with-iran>

ایران دارای توانایی بالقوه نظامی در منطقه است که توانایی حمله و تهاجم به اهداف مختلف منطقه‌ای را دارد. در طول دهه گذشته ایران توانسته است در میدان جنگ منطقه‌ای با آمریکا و متحدانش مقابله نماید. به‌عنوان مثال حزب‌الله در برابر اسرائیل در سال ۲۰۰۶ مقاومت کرد و مانع پیروزی اسرائیل شد، ایران نفوذ خود را در عراق تثبیت کرد، در جنگ سوریه ایران و متحدانش پیروز شدند و فشار حداکثری وارده به ایران خصوصاً در دوره ترامپ ایران را از پای در نیاورد (Toossi, 2019/10/24). این توانایی نظامی از مرزهای ایران فراتر رفته و به برخی کشورهای متحد ایران بسط یافته است. مثلاً بنا بر گزارش IISS^۱ تا سال ۲۰۱۹ ایران توانسته با استفاده از نیروهای شبه نظامی فراملی شیعی-اسلامی در برابر دشمنان خود به مقابله بپردازد و توانایی جنگیدن با آن‌ها را با درجاتی متفاوت ایجاد کند. با نفوذ داعش در عراق و سوریه نیروهای ایرانی برای محافظت از بارگاه‌های مقدس شیعه در برابر ستیزه‌جویان تکفیری اقدامات نظامی انجام داد و موفق به شکست داعش ابتدا در عراق و سپس در سوریه شدند و بسیاری از فتوحات حکومت سوریه با کمک مستقیم ایران صورت پذیرفت. علاوه بر آن نمونه‌هایی از توانایی تهاجمی نظامی مستقیم ایران وجود دارد؛ ایران به صورت مداوم حملات سایبری تهاجمی علیه دشمنان خود انجام می‌دهد، اسرائیل صدها حمله هوایی علیه سایت‌های تحت حمایت ایران در سوریه انجام داده که عمدتاً دفع شده یا آسیب جدی به ایران نرسیده، حملات موشکی ایران علیه مواضع داعش در تاریخ ۱۸ ژوئن ۲۰۱۷ با موفقیت انجام گرفت و مجدداً در پاسخ به حمله تروریستی داعش شش موشک بالستیک با برد متوسط را با موفقیت بر مواضع داعش فرود آورد، همچنین تعداد محدودی از نیروهای (مستشاری) زمینی ایرانی یا تحت حمایت ایران همچنان در عراق، سوریه و یمن هستند. شکل زیر برآورد تأثیری است که ایران در خاورمیانه دارد.^۲

۱. مؤسسه بین‌المللی مطالعات استراتژیک که اندیشکده‌ای واقع در لندن است.

۲. این شکل صرفاً برای نشان دادن قابلیت‌های نظامی و اثرگذار ایران در منطقه نشان داده شده است.



(iiss.org, November 2019)

درباره قابلیت تهاجمی آمریکا نیز باید گفت که نیرو نظامی این کشور اساساً نیرویی تهاجمی است و در شرایط فعلی به عنوان قدرتمندترین نیروی نظامی در جهان شناخته می‌شود. بنا بر بررسی گلوبال ریسرچ آمریکا از زمان تأسیس خود در سال ۱۷۷۶ تنها ۲۱ سال بوده که درگیر جنگی نبوده است. از سال ۱۹۴۵ و پس از جنگ جهانی دوم آمریکا تنها در سال‌های ۱۹۷۶ تا ۱۹۷۸، ۱۹۷۸، ۱۹۹۷ و ۲۰۰۰ درگیر جنگ نبوده است. (globalresearch.ca, 2015/02/20) جنگ کره ۱۹۵۰، جنگ کوبا ۱۹۶۱، جنگ ویتنام ۱۹۶۱، دومین جنگ داخلی السالوادور ۱۹۸۰، لبنان ۱۹۸۲، گرانادا ۱۹۸۳، پاناما ۱۹۸۹، جنگ خلیج فارس ۱۹۹۱، سومالی ۱۹۹۳، بوسنی ۱۹۹۴، کوسوو ۱۹۹۹، جنگ علیه ترور ۲۰۰۱، جنگ افغانستان ۲۰۰۱، جنگ عراق ۲۰۰۳، جنگ علیه داعش ۲۰۱۴ و... از جمله عملیات‌های نظامی آمریکا در طی دوران بعد از جنگ جهانی دوم است. (Infoplease.com, 2017/02/28) (Kelly, 2019/05/08) (Infoplease.com, 2017/02/11)

درباره قابلیت نظامی آمریکا درباره حمله به ایران بایستی گفت که ابزارهای قابل توجهی برای مقابله با ایران در منطقه را دارد. جنگنده‌های F-22 که خصوصاً در

1. Global Research: Centre for Research on Globalization (CRG)

۲. برای مشاهده دقیق به سایت زیر مراجعه فرمائید:

<https://www.globalresearch.ca/america-has-been-at-war-93-of-the-time-222-out-of-239-years-since-1776/5565946>

پایگاه‌های ایران در خلیج فارس است، بمب افکن خفاش^۱ B-2 که قابلیت حمل بیش از بیست تن مهمات متعارف و هسته‌ای و تطابق با شرایط جوی را دارد، بمب سنگرشکن (MOP)^۲ که وزنی حدود ۱۴ تن با قابلیت انهدام سنگرهای بتنی در عمق ۶۰ متر، تانک‌ها و وسایل حمل و نقل دو زیست آمریکا با قابلیت حرکت در آب و خاک^۳ از جمله این توانایی‌ها هستند (Keck, 2019/11/04).

۲-۴. نیات تهاجم

با توجه به تأکید والت بر مؤلفه چهارم تهدید یعنی نیات تهاجم لازم است تا به صورت مفصل‌تری این بخش درباره روابط ایران و آمریکا مورد بررسی قرار گیرد. یکی از دلایل اصلی نگرش کنونی دو کشور نسبت به یکدیگر مربوط به سابقه تاریخی روابط میان دو کشور و سوءبرداشتی است که در طول تاریخ نسبت به یکدیگر دارند و تأثیر این مؤلفه خصوصاً برای آمریکا از ابزارهای ایران برای به خطر انداختن منافع آمریکا بیشتر است. همچنین درباره آمریکا القائاتی که توسط متحدین منطقه‌ای خود خصوصاً اسرائیل که نقشی غیر معمول در سیاست آمریکا ایفا می‌کند- سبب تشدید تصور تهدید و وجود نیات تهدیدکننده توسط ایران دارد. این امر در مقابل برای ایران هم کاملاً صادق است و این دو کشور در این زمینه به سان آینه‌ای که بازتاب رفتار یکدیگر است عمل می‌کند و این مسائل موجب ایجاد بدترین پیش‌بینی‌ها در مورد نیات و عملکرد دو طرف نسبت به یکدیگر است. این سوءنیت بر اساس سابقه تاریخی که ایرانیان از آمریکا خصوصاً در قضیه ملی شدن نفت داشتند، با وقوع انقلاب به هراسی برای نابود کردن انقلاب بدست آمریکا تبدیل گشت و آن را تشدید نمود (Pillar, 2016: 371-377). لذا لازم است تا ریشه‌های بی‌اعتمادی و بدبینی دو کشور نسبت به نیات یکدیگر را به صورت تاریخی مورد بررسی قرار دهیم:

1. The B-2 stealth bomber
2. Massive Ordnance Penetrator
3. Amphibious Combat Vehicle

۲-۴-۱. از کودتا تا انقلاب

ریشه این نگرش بی‌اعتمادانه نسبت به نیت خصمانه آمریکا در دید ایرانیان به کودتا سال ۱۳۳۲ باز می‌گردد. جیمز بیل بر این باور است که با نقشی که آمریکا در کودتا علیه مصدق داشت، چهره آزادی‌خواهی که در اذهان مردم و قالب نخبگان ایران از آمریکا ترسیم شده بود از میان رفت و ایرانیان، آمریکا را کشوری استثمارگر و سلطه‌گر دانستند (بیل، ۱۳۷۱: ۱۱-۱۲). این کودتا چنان تأثیر منفی در ایرانیان بجا گذاشت که رهبران ایران بعد از گذشت بیش از شش دهه از آن واقعه به‌عنوان یکی از ملاک‌های اصلی بی‌اعتمادی به آمریکا از آن یاد می‌کنند. مثلاً رهبری انقلاب در سخنرانی‌های مختلف خود این واقعه تاریخی را به‌عنوان مثالی برای بی‌اعتمادی به نیت آمریکا عنوان نموده‌اند: "بعضی‌ها هستند که می‌گویند حالا یک‌جوری، مثلاً یک‌ذره، با آمریکا کنار بیایم، شاید دشمنی‌شان کم بشود؛ نه، حتی به آنهایی هم که به آمریکا اعتماد کردند، به آمریکا امید بستند، به سراغ آمریکا رفتند برای کمک گرفتن، رحم نکردند؛ [مثل] چه کسی؟ دکتر مصدق..." (Farsi.khamenei.ir. ۱۳۹۶/۰۸/۱۱). در پی این واقعه تا وقوع انقلاب تمامی اقدامات شاه در چشم مردم و نخبگان با اجازه آمریکا بوده است. سرکوب اعتراضات مردم در خرداد ۱۳۴۲ چهره آمریکا را دوباره مخدوش ساخت. در پی آن امام خمینی بیان داشتند: "...آمریکا از انگلیس بدتر، انگلیس از آمریکا بدتر، شوروی از هر دو بدتر، همه از هم بدتر و پلیدترند. لکن امروز سروکار ما با آمریکاست..." در سرکوب معترضان در آستانه انقلاب، در چشم مردم، آمریکا متهم اصلی در کنار شاه بود و تماس کارتر با شاه و اعلام پشتیبانی از وی پس از جمعه سیاه این امر را تشدید کرد. (بیل، ۱۳۷۱: ۲۱۳-۲۲۳ و ۳۵۰-۳۵۲)

۲-۴-۲. انقلاب تا اشغال سفارت

پس از انقلاب نیز این سوءنیت هر روز بیش‌تر از روز قبل می‌گشت و هر تلاشی برای شکستن آن نافرجام بود. اشغال سفارت موج جدید این بی‌اعتمادی را ایجاد کرد. این کار موجب سبب خدشه‌دار شدن پرستیژ بین‌المللی آمریکا و حرکت به سمت اقدامات مقابله‌جویانه در تمام ابعاد اقتصادی، سیاسی و نظامی شد (موسوی‌فر، ۱۳۸۹: ۲۳-۲۵). خشم آمریکائیان از زمان گروگان‌گیری هر نوع اتخاذ تصمیم درباره ایران را

تحت تأثیر قرار داده است (ام. پولاک، ۱۳۸۸: ۲۳۸). لذا بی‌اعتمادی و برداشت سوء از نیات یکدیگر که هریک به‌دنبال آسیب به دیگری است تشدید گشت. سلسله وقایعی در پی این رویداد رخ داد که این برداشت خصمانه نسبت به هم را تشدید نمود. فشار و تحریم، عملیات پنجه عقاب و طراحی کودتا نوژه اقدامات بعدی آمریکا بود (موسوی‌فر، ۱۳۸۹: ۲۳-۲۵).

۲-۴-۳. دوران جنگ ایران و عراق

آمریکا در جنگ از عراق حمایت می‌کرد که شامل اسکورت تانک‌های نفتی عراق، ارائه اطلاعات نظامی درباره مواضع نیروهای ایران و... بود. حمایت از نفتکش‌های کویتی، حمله به کشتی‌های ایرانی و سکوه‌های نفتی، حمله به سه کشتی جنگی ایران و واژگونی آن‌ها و نهایتاً حمله به هواپیمای مسافربری ایران و کشته شدن ۲۹۰ سرنشین آن اعمال مستقیم آمریکا در برابر ایران بود (موسوی‌فر، ۱۳۸۹: ۲۴-۲۶). از سوی آمریکا پیروزی‌های ایران در جنگ، مطرح بودن بحث صدور انقلاب، رودررویی با اسرائیل و درگیری‌های دیپلماتیک، حضور نیروهای ایران در لبنان و آموزش شبه نظامیان برای مقابله با اسرائیل که به لبنان حمله کرده بود، اقدامات حزب‌الله علیه اسرائیل و... نمونه‌هایی برای بی‌اعتمادی آمریکا به ایران بود. مسئولین آمریکا پس از شوروی، ایران را بزرگ‌ترین تهدید علیه منافع خود در کره زمین می‌دانستند و ایران را به سطح جدیدی از تهدید رساندند (ام. پولاک، ۱۳۸۸: ۲۴۳-۲۷۷).

۲-۴-۴. پس از جنگ و دهه ۹۰ میلادی

بعد از جنگ و در طی دهه ۹۰ میلادی تقابل میان و آمریکا همچنان ادامه یافت. در دوره بوش پدر با وساطت ایران گروگان‌های آمریکا در لبنان آزاد شدند (صالحی، ایمانی، ۱۳۹۶: ۱۲۶). با آزادی تمام گروگان‌ها، آمریکا تنها گفت که "وقتش رسیده‌بود" و تمام تلاش‌های ایران را زیرپا گذاشت و بر خلاف توافق قبلی عمل نمود (ام. پولاک، ۱۳۸۸: ۳۲۴). با تغییر دولت آمریکا به فاصله یک‌سال بعد سنا در مرداد ۱۳۷۵ قانون داماتو را با هدف تشدید فشار اقتصادی بر ایران تصویب و دولت آن را اجرا کرد. علاوه بر تحریم‌ها، بمب‌گذاری در بوینس آیرس در ۱۹۹۲، شکست صلح اعراب با اسرائیل، ترورهای برخی افراد در اروپا و بمباران برج الخبار در ۱۹۹۶ هم به ایران نسبت داده شد

و بهانه برای تشدید فشار و افزایش تردید نسبت به نیت ایران در اختیار آمریکا قرار گرفت (صالحی، ایمانی، ۱۳۹۶: ۱۲۶-۱۲۷). همچنین دولت کلینتون طرح مهار دوجانبه با هدف مهار ایران و عراق به‌عنوان سیاست خاورمیانه آمریکا مطرح نمود که مفروضه اصلی آن این بود که دولت جمهوری اسلامی ذاتاً تهدیدزاست (موسوی‌فر، ۱۳۸۹: ۲۶-۲۷). ایران نیز در طول این دهه به‌ویژه پس از جنگ اول خلیج فارس در برابر آمریکا نوعی محاربه غیرمستقیم در پیش گرفت. ایران به‌دنبال آن بود تا بدون به‌کاربردن امری که تحریک آمریکا را به همراه داشته باشد، وی را از خلیج فارس اخراج نماید. بر این اساس کمک‌های مالی به گروه‌های مخالف آمریکا را تشدید و اقدامات اطلاعاتی را در این زمینه انجام داد (ام. پولاک، ۱۳۸۸: ۳۳۴-۳۳۵).

۲-۴-۵. هزاره جدید و محور شرارت

در دولت بعدی آمریکا یعنی دولت بوش پسر این تنش‌ها و تقابلات بار دیگر افزایش یافت. بوش -علیرغم همکاری‌های ایران با آمریکا در حمله به افغانستان- در سخنرانی‌اش در سال ۲۰۰۲، ایران را یکی از "محورهای شرارت" نامید و ایران را به داشتن رابطه با القاعده و تلاش برای ساخت سلاح هسته‌ای متهم نمود (روحانی، ۱۳۹۲: ۱۳۳-۱۳۰). با طرح اتهامات به ایران از سوی آمریکا و محور شرارت خواندن ایران، عملاً پس از همکاری‌های قبلی، ایران به سمت مقابله سیاسی و غیرمستقیم با آمریکا در افغانستان رفت. رهبری نیز از افتخار ایران مبنی بر متغیر بودن شیطان بزرگ از ایران صحبت کردند (ام. پولاک، ۱۳۸۸: ۴۶۱-۴۵۶). بوش در سخنرانی‌های سالیانه خود در ۲۰۰۳ و ۲۰۰۶، ایران را حکومتی خودکامه نامید که برنامه هسته‌ای را به پیش می‌برد که "تهدید علیه امنیت ملی آمریکا" است. وی همچنین ایران را ملتی می‌نامد که "توسط گروهی کوچک از نخبگان روحانی به گروگان گرفته شده‌اند". بعلاوه وی بارها ایران را حامی تروریسم نامید. غیردموکراتیک و خودکامه نامیدن ایران مسئله محوری بوش به منظور امنیتی‌سازی برنامه هسته‌ای ایران بود. (ثمودی پیله‌رود، ۱۳۹۶: ۲۱۹-۲۱۸) در مذاکرات هسته‌ای میان ایران و کشورهای اروپایی، فشاری که آمریکا بر اروپا به‌منظور

۱. Asymmetrical Warfare: جنگی که در آن طرف‌های درگیر نیروی نظامی یکسانی ندارند و کشور ضعیف‌تر به نحوی به قوی‌تر حمله کند که با قدرتش بازی و مانع از به‌کار بردن قدرت کشور قوی‌تر شود.

عدم توافق با ایران - به‌منظور لزوم فشار بیشتر بر ایران - وارد می‌آورد کاملاً مشخص بود. مثلاً در توافق بروکسل در سال ۲۰۰۳ آمریکا به‌طور واضح به اروپا فشار وارد ساخت و این امر کاملاً مشخص گشت که اروپا تاب مقاومت در برابر فشار آمریکا را ندارد (روحانی، ۱۳۹۲: ۲۵۸-۲۶۰).

۲-۴-۶. از تحریم تا برجام

پیروزی باراک اوباما با شعار "تغییر"، نشانه‌هایی را از بهبود روابط با ایران و تلاش برای اتخاذ رویکردی مسالمت‌آمیز در برابر ایران ایجاد نمود. اما نهایتاً بجای بهبود روابط، کار به فشار حداکثری و تشدید روزافزون تحریم‌ها علیه ایران انجامید (عبداله، اسماعیلی، ۱۳۹۲: ۱۰۴). اوباما نیز ایران را به‌عنوان تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌الملل معرفی نمود. وی توانست با حمله به برنامه هسته‌ای ایران آن را در افکار عمومی به‌عنوان تهدیدی برای امنیت جهانی ترسیم کند (ثمودی پبلرود، ۱۳۹۶: ۲۲۰-۲۱۸).

در این دوران و در سال ۲۰۰۶ پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت سازمان ملل متحد ارجاع و ایران مشمول بند هفتم منشور سازمان ملل متحد شد (صالحی، ایمانی، ۱۳۹۶: ۱۳۰). ایران در این دوره به سیاست خارجی تهاجمی تری روی آورد و موضوع هسته‌ای با اجماع‌سازی آمریکا، از مناقشه فنی به مسئله‌ای امنیتی تبدیل شد. در این دوره طرح مسائلی چون انکار هولوکاست، تلاش برای تشکیل جبهه ضدامپریالیستی با هدف جلوگیری از هژمونی آمریکا، سیاست تهاجمی هسته‌ای و مخالفت با نظم موجود بین‌المللی از جمله اقداماتی است که طرف آمریکایی برای اعلام ایران به‌عنوان تهدید علیه امنیت ملی خود مطرح نمود و آن را در میان متحدین خود خصوصاً اروپا جا انداخت. (ثمودی پبلرود، ۱۳۹۶: ۲۱۸-۲۲۱)

تحریم‌های سنگین اقتصادی به‌منظور جلوگیری از برنامه هسته‌ای ایران علیه ایران اعمال شد و بسیاری قوانین تحریمی که کنگره تنظیم نموده بود با تحریم‌های سازمان ملل مطابقت یافت. برنامه‌ای که اوباما علیه ایران داشت شامل تحریم نفتی، ائتلاف‌سازی و ایجاد اجماع علیه برنامه هسته‌ای ایران، محدودیت‌زایی استراتژیک برای ایران به وسیله همسایگانش، پیش‌گیری و پیش‌دستی و حمله نظامی به‌عنوان گزینه نهایی، فشار رسانه‌ای و حقوق بشر بود (عبداله، اسماعیلی، ۱۳۹۲: ۱۱۱-۱۱۷). طی سال‌های ۲۰۰۶ تا

پایان ۲۰۱۲ مجموعاً ۱۹ قطعنامه یا قانون تحریمی بر ضد ایران صادر شد که سنگین‌ترین آن‌ها در سال ۲۰۱۲ بود. این تحریم‌ها شامل نفت ایران، توقف تجارت طلا، فلزات گرانبها، الماس و محصولات پتروشیمی، انسداد دارایی‌های بانک مرکزی، اموال و دارایی‌های ایران در آمریکا، محدودیت‌های بیشتر برای مسئولان ایران و تحریم‌های مربوط به حقوق بشر آمریکا بود (عرب یارمحمدی، ۱۳۹۳: ۲۲-۱۶). ایران و آمریکا در سال ۲۰۱۵ توانستند به توافقی در زمینه مسئله هسته‌ای ایران در چارچوب مذاکرات ۱+۵ دست یابند. این توافق نشانگر کم شدن تنش‌ها و تهدیدات میان دو طرف بود که می‌توانست آغازی باشد تا در بلندمدت مسئله نیت تهاجمی را که دو طرف نسبت به یکدیگر داشتند را کمرنگ کند.

۲-۴-۷. ترامپ و بازگشت تحریم‌ها

در مبارزات انتخاباتی در آمریکا ترامپ بارها اعلام کرد که در صورت پیروزی درباره این توافق بازمینی خواهد کرد (قنبرلو، ۱۳۹۶: ۵۱). لذا دولت جدید آمریکا با این توافق مخالفت ورزید و ترامپ بارها آنرا توافقی "احمقانه" نامید. مثلاً در گفت و گویی که با نخست وزیر استرالیا در ژانویه ۲۰۱۷ داشت بیان نمود: "نمی‌دانم که این افراد را از کجا برای بستن این توافق احمقانه پیدا کرده‌اند. من این چیز (توافق) را نابود می‌کنم... من فکر می‌کنم که این توافق وحشتناک است، یک توافق ناامیدکننده که من هرگز آن را انجام نمی‌دادم. مایه شرمساری آمریکا است..." (The Guardian, 2017/08/03). وی همچنین از بدو ورود به کاخ سفید ایران را "دولت شماره یک حامی تروریسم" نامید که هیچ احترامی به آمریکا نمی‌گذارد (یزدانفام، ۱۳۹۵: ۱۵۸). ترامپ بارها ایران را به هم‌کاری‌های مخفیانه با کره شمالی، دیکتاتوری در داخل، ثبات‌زدایی و توسعه‌طلبی در منطقه، پشتیبانی از تروریسم، تهدید به حمله موشکی سایبرین، حملات سایبری و کوشش به منظور دست‌یابی به سلاح هسته‌ای متهم ساخت (یزدانفام، ۱۳۹۶: ۱۸۳-۱۸۲). با چنین اوصافی ترامپ در نهایت در تاریخ ۸ مه ۲۰۱۸ از این توافق خارج و دستور بازگرداندن تحریم‌ها علیه ایران را ظرف ۱۸۰ روز صادر کرد. همچنین آمریکا در بیانیه ۱۳ اکتبر همان سال با ایران را متهم به "گسترش فعالیت‌های نیروهای مورد حمایت ایران و شبکه‌های تروریستی به امید دستیابی بیشتر بر خاورمیانه مانند تلاش برای ایجاد

پلی از ایران به لبنان و سوریه" نمود و اعلام داشت که آمریکا در جهت تغییر در رفتار رژیم ایران حرکت خواهد کرد (Simon, 2018: 14-17).

طی این سه سال وقایع بسیاری رخ داد که تنش در روابط دو کشور را به صورت فزاینده‌ای افزایش داد و خصومت میان دو طرف را به اوج رساند. به صورت خلاصه این رویدادها عبارتند از: اعلام سپاه پاسداران توسط آمریکا به‌عنوان نهادی تروریستی توسط دونالد ترامپ (The White House, 2019/04/08)؛ که در پی آن ایران نیز عملی متقابل انجام داد و ستکام را تروریستی خواند و آمریکا را نیز دولت حامی تروریسم شناخت (Eqbali and Engel Rasmussen, 2019/04/08). آمریکا همچنین شروط ۱۲ گانه جدیدی را برای برداشتن تحریم‌ها و رسیدن به توافقی جدید مطرح نمود که توقف غنی‌سازی اورانیوم، محدودیت در برنامه موشکی و عدم تولید موشک‌های بالستیک، عدم حمایت ایران از گروه‌های نزدیک به خود در منطقه که آمریکا آن‌ها را تروریستی نامیده، خروج ایران و نیروهای وابسته از کشورهای منطقه و... از جمله آن هستند (Wolfsthal and Smith, 2018/05/21). ایران نیز پس از لغو معافیت تحریمی ۸ کشور از خرید نفت خود توسط آمریکا تهدید کرد که در صورتی که نفتش نتواند صادر شود و فروش آن متوقف گردد، تنگه هرمز را خواهد بست (Chang, 2019/05/16). ایران همچنین در تاریخ ۳۰ خرداد ۱۳۹۸ پهباد آمریکایی گلوبال هاوک را که به آب‌های سرزمینی خود وارد شده بود، سرنگون کرد. افزون بر آن ایران فرایند کاهش تعهدات برجامی خود را در واکنش به تحریم‌های آمریکا و عدم توانایی اروپا در پایبندی به تعهداتشان در برجام آغاز نمود. این گام‌ها در وهله اول شامل افزایش ذخیره اورانیوم غنی‌شده ایران به میزان بالاتر از ۳۰۰ کیلوگرم بود (Chappell, 2019/07/01). در وهله دوم غنی‌سازی بالاتر از سقف تعیین شده در برجام یعنی ۳,۶۷٪ صورت گرفت (Gramer and Johnson, 2019/07/08). در وهله سوم اقدام اصلی ایران گازدهی به ساتنریفیوژهای پیشرفته (IR6 در زنجیره ۲۰ تایی) بود (Aljazeera.com, 2019/09/07). در گام چهارم نیز از ۱۵ آبان ۱۳۹۸ ایران تزریق گاز به ساتنریفیوژها در فوردو را آغاز نمود (DAOU, 2019/11/08).

این تردید به نیت برخاسته از سابقه تاریخی کاملاً در ایران کاملاً واضح بوده و در سخنرانی‌های مقامات ایران خصوصاً رهبری انقلاب مشاهده می‌شود. ایشان بارها بر تردید نسبت به نیت آمریکا اشاره نموده‌اند. به‌عنوان مثال ایشان در سخنرانی فرمودند: "آمریکا ۲۸ مرداد را راه انداخت و حکومت ملی را سرنگون کرد؛ آمریکا از اول انقلاب تا امروز دارد با ما دشمنی می‌کند؛ آمریکا در زمان طاغوت، ساواک را به راه انداخت که مایه‌ی شکنجه‌ی مردم و مبارزین [بود]؛ آمریکا در جنگ هشت‌ساله به دشمن ما حداکثر کمک ممکن را کرد؛ آمریکا هواپیمای مسافربری ما را سرنگون کرد؛ آمریکا سکوی نفتی ما را زد؛ آمریکا ما را تحریم کرد؛ اینها دشمنی نیست؟" (Farsi.khamenei.ir, ۱۳۹۵/۰۳/۱۴). این دیدگاه در دولت ترامپ و خصوصاً پس از خروج آمریکا از برجام تشدید گشت. "بسیاری از مسائل ما با آمریکا اساساً قابل حل نیست، علت هم این است که مشکل آمریکا با ما، خود ما هستیم - یعنی خود جمهوری اسلامی - مشکل این است" (Farsi.khamenei.ir, ۱۳۹۶/۰۳/۲۳). "مشکل ما با آمریکایی‌ها موضوع تغییر رژیم نیست، زیرا آن‌ها اگر چنین قصدی هم داشته باشند، قادر به اجرای آن نیستند... این که ترامپ می‌گوید قصد تغییر رژیم را ندارد یک دروغ است زیرا اگر می‌توانست این کار را انجام دهد، انجام می‌داد اما نمی‌تواند... رئیس‌جمهور آمریکا چند روز پیش با جناب‌عالی نخست‌وزیر ژاپن - دیدار و گفتگو و درباره ایران هم صحبت کرد، اما بعد از بازگشت از ژاپن، بلافاصله تحریم صنایع پتروشیمی ایران را اعلام کرد، آیا این پیام صداقت است؟" (OPRYSKO, 2019/06/13).

تردید نسبت به نیت تهاجمی ایران در چشم سیاست‌مداران آمریکا نیز کاملاً صادق است. واشنگتن از زمان انقلاب تاکنون به‌طور مداوم ایران را بازیگری خطرناک و متخاصم ترسیم کرده است و تنها کشوری که به‌عنوان دشمنی ثابت و غیرقابل تحمل به‌طور مداوم به تصویر کشیده شده ایران است. لذا ترس از داشتن سلاح هسته‌ای، موشک‌های بالستیک و... بدلیل تهدید هژمونی و موقعیت ممتاز آمریکا در خاورمیانه و متحدین نزدیکش از جمله اسرائیل است. علاوه بر آن ترس از نفوذ ایران در منطقه و کمک وی به گروه‌های اسلامی و به‌ویژه شیعه نظیر حزب‌الله و حماس در منطقه سبب شده که ایران به‌عنوان کشور حامی تروریسم در آمریکا شناخته شود (Benjamin and

(Simon, 2019/10/15). این تهدید بارها توسط مسئولان آمریکایی بیان گشته است. به‌عنوان مثال ترامپ در یکی از سخنرانی‌هایش گفت: "به ایران نگاه کنید، قبل از آنکه من به ریاست جمهوری برسم، ایران می‌توانست ظرف ۱۲ دقیقه کل خاورمیانه را تحت کنترل بگیرد" (العالم، ۱۳۹۷/۰۷/۲۰). این مسئله کاملاً نشان می‌دهد که سیاستمداران آمریکایی چقدر از نیت ایران در هراس هستند.

نتیجه‌گیری

با بررسی نظریه موازنه تهدید در روابط میان ایران و آمریکا مشخص شد که دو کشور هر چهار وجه تهدید علیه یکدیگر را کاملاً حس کرده و به‌دنبال ایجاد موازنه بر این اساس هستند. هر دو از قدرت یکدیگر کاملاً آگاه هستند و می‌دانند که هر یک قابلیت وارد ساختن هزینه‌های بسیار به یکدیگر را با درجات مختلفی دارند. از قدرت نظامی، سرزمینی و اقتصادی آمریکا گرفته تا قدرت نظامی و نفوذ ایدئولوژیک منطقه‌ای ایران. همچنین دو کشور در شرایط کنونی از لحاظ جغرافیایی کاملاً در مجاورت یکدیگر قرار دارند و هرگونه خطای سهوی از هر طرف می‌تواند شعله‌های یک درگیری تمام عیار را رقم بزند. همچنین از لحاظ قابلیت تهاجمی آمریکا دارای برترین قدرت نظامی جهانی است و ایران نیز یک قدرت حقیقی منطقه‌ای است که سلاح‌های کاربردی فراوانی از جمله موشک‌های بالستیک را برای آسیب به منافع آمریکا و متحدانش داراست. اما درباره مهم‌ترین رکن این نظریه در روابط ایران و آمریکا یعنی نیت و مقاصد تهاجمی بایستی مسئله ریشه‌ای‌تر مورد واکاوی قرار می‌گرفت. بررسی‌ها نشان داد که وقوع سلسله رخدادهایی که منشأ آن از سال ۱۳۳۲ آغاز و تا همین امروز نیز ادامه داشته است کاملاً بیانگر وجود احساس تهدید دو کشور نسبت به نیت یکدیگر است. کلید واژه این هراس از نیت دوطرف از سوی آمریکا حمایت از تروریسم و صدور انقلاب توسط ایران و از سوی ایران نفوذ آمریکا در ایران است. ایران پس از کودتا سال ۱۳۳۲ تا امروز به آمریکا و نیاتش در قبال خود با دیده تردید می‌نگرد و آمریکا نیز پس از قضیه اشغال سفارت این حس را نسبت به ایران دارد. این احساسات و نیات بدبینانه نسبت به یکدیگر روز به روز تشدید گشته و در دوره فعلی نیز احیا مجدد تحریم‌ها و اعلام

شروط ۱۲ گانه توسط آمریکا این برداشت سوء را خصوصاً در ایران تشدید نمود و بیش از پیش از نیت آمریکا نسبت به خود هراسان ساخت. لذا مشخص شد که ایران و آمریکا هر ۴ درجه تهدید را علیه یکدیگر احساس می‌کنند و طبیعی است که بخواهند علیه آن به اقدام پردازند تا بتوانند قدرت دیگری را بکاهند و مانع از عملی شدن تهدید شوند و در همین مرحله دست به موازنه بزنند.

منابع

- ۱۳۹
- ام. پولاک، کنت. (۱۳۸۸). *معمای ایران*، ترجمه مهرداد صمیمی، چاپ اول، تهران: نشر روشنگران و مطالعات زنان.
- برچیل، اسکات، لینکلتر، اندرو. (۱۳۹۵). *نظریه‌های روابط بین‌الملل*، ترجمه سیدحسن میرفخرایی، چاپ اول، تهران: نشر دانشگاه علامه طباطبایی.
- (۱۳۹۶/۰۸/۱۱)، «بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان»، تاریخ استخراج: <http://farsi.khamenei.ir/speech-۱۳۹۸/۰۸/۰۶>، قابل مشاهده در: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=38083>.
- (۱۳۹۶/۰۳/۲۳)، «بیانات در دیدار مسئولان نظام»، تاریخ استخراج: ۱۳۹۸/۰۸/۰۶، قابل مشاهده در: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=36824>.
- (۱۳۹۵/۰۳/۱۴)، «بیانات در مراسم بیست و هفتمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله)»، تاریخ استخراج: ۱۳۹۸/۰۸/۰۸، قابل مشاهده در: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=33259>.
- بیل، جیمز. (۱۳۷۱). *شیر و عقاب*، ترجمه فروزنده برلیان، چاپ اول، تهران: نشر فاخته.
- ثمودی پیله‌رود، علیرضا. (۱۳۹۶). *سیاست اروپایی و برنامه هسته‌ای ایران*، چاپ اول، قم: انتشارات دانشگاه مفید.
- دهشیار، حسین. (۱۳۹۱). *سیاست خارجی آمریکا در تئوری و عمل*، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- روحانی، حسن. (۱۳۹۲). *امنیت ملی و دیپلماسی هسته‌ای*، چاپ هفتم، تهران: نشر مرکز تحقیقات استراتژیک.

(۱۳۹۸/۰۶/۲۴)، «سردار حاجی‌زاده: پهباد آمریکایی را یک نیروی آتش‌به‌اختیار ساقط کرد/ هدف‌گیری موشک‌های سپاه به‌سمت دو پایگاه و یک شناور آمریکایی در منطقه»، تاریخ استخراج: ۱۳۹۸/۹/۱۹، قابل مشاهده در:

<https://www.tasnimnews.com/fa/news/1398/06/24/2096309/>.

صالحی، جواد، ایمانی، امیر. (۱۳۹۶). «بررسی روابط ایران و آمریکا با الگوی نظریه جیمز روزنا»، برگرفته از: **جستارهایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران**، مجموعه مقالات دومین همایش نظام بین‌الملل، تحولات منطقه‌ای و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، کوهکن، علیرضا، چاپ اول، نشر دانشگاه علامه طباطبایی، صص ۱۴۰-۱۰۹.

عبداله، عبدالمطلب، اسماعیلی، مصطفی. (۱۳۹۲). «سیاست خارجی آمریکا در قبال انقلاب اسلامی ایران: تداوم یا تغییر»، **فصلنامه پژوهشنامه انقلاب اسلامی**، سال دوم، شماره ۷، صص ۱۲۳-۱۰۳.

عرب‌یارمحمدی، جواد. (۱۳۹۳). «اقتصاد تحریم ایران- نسخه اول»، برگرفته از: **اقتصادسیاسی تحریم ایران تا پیش از مذاکرات موسکو در ژوئن ۲۰۱۲**، اسکندری، ابوالقاسم و همکاران، جلد اول، چاپ اول، تهران: نشر اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران، صص ۴۰-۱۳.

قنبرلو، عبدالله. (۱۳۹۶). «ریشه‌های بازتولید مخاصمه ایران و آمریکا پس از توافق هسته‌ای»، **فصلنامه جستارهای سیاسی معاصر**، سال هشتم، شماره ۲، صص ۷۲-۴۹. قوام، سید عبدالعلی، ایمانی، همت. (۱۳۹۱). «نظریه‌ی رئالیستی اتحاد در روابط بین‌الملل»، **فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی**، سال سیزدهم، شماره ۳۰، صص ۶۶-۳۷.

گل‌کریمی، عابد و همکاران. (۱۳۹۷). «تبیین ژئوپولیتیک سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر قابلیت‌های ژئواکونومیک»، **فصلنامه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی**، سال هجدهم، شماره ۹۴، صص ۵۷-۳۷.

مشیرزاده، حمیرا. (۱۳۹۵). **تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل**، چاپ یازدهم، تهران: نشر سمت.

مصطفی نژاد، عباس. (۱۳۹۰). «تحلیل سیاست موازنه قدرت در رهیافت رئالیستی و نئورئالیستی»، *فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل*، سال اول، شماره ۱، صص ۱۵۸-۱۳۱.

موسوی فر، رضیه. (۱۳۸۹). *معما ایران و آمریکا*، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
یزدان‌فام، محمود. (۱۳۹۵). «سیاست خارجی ترامپ و جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال نوزدهم، شماره ۷۴، صص ۱۶۴-۱۳۹.
یزدان‌فام، محمود. (۱۳۹۶). «راهبرد ترامپ در مورد ایران»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال بیستم، شماره ۷۵، صص ۱۸۴-۱۷۹.

Aljazeera.com. (2019/09/07). "Iran activates advanced centrifuges in latest nuclear move". Retrieved 2019/09/29, Available at: <https://www.aljazeera.com/news/2019/09/iran-activates-advanced-centrifuges-latest-nuclear-move-190907054456905.html>.

Amadeo, K. (2019/06/25). "Economic Power, Who Has It, How to Get It". Retrieved 2019/08/20, Available at: <https://www.thebalance.com/the-power-of-the-u-s-economy-3306226>.

Benjamin, D. and Simon, S. (2019/10/15). "America's Great Satan". Retrieved 2019/10/25, Available at: <https://www.foreignaffairs.com/articles/middle-east/2019-10-15/americas-great-satan>.

Bock, A. and Henneberg, I. (2013). "Why Balancing Fails: Theoretical Reflections on Stephen M. Walt's "Balance of Threat" Theory". **SSRN Electronic Journal**.

Chang, E. (2019/05/16). "The Real Iran Military Threat: Close the Strait of Hormuz (Watch Oil Prices Jump)". Retrieved 2019/08/23, Available at: <https://nationalinterest.org/blog/buzz/real-iran-military-threat-close-strait-hormuz-watch-oil-prices-jump-57862>.

Chappell, B. (2019/07/01). "Iran Says Its Stockpiles Of Enriched Uranium Now Exceed Limit In Nuclear Deal". Retrieved 2019/09/05, Available at: <https://www.npr.org/2019/07/01/737575973/>.

COOPER, S. (2003). "STATE-CENTRIC BALANCE-OF-THREAT THEORY:" **Security Studies**, 13(2), pp 306-349.

DAOU, M. (2019/11/08). "Iran answers Trump's maximum pressure with maximum resistance". Retrieved 2019/11/09, Available at: <https://www.france24.com/en/20191108-iran-answers-trump-s-maximum-pressure-with-maximum-resistance>.

- Eqbali, A. and Engel Rasmussen, S. (2019/04/08). "Iran Labels U.S. Central Command a Terrorist Organization". Retrieved 2019/08/23, Available at: <https://www.wsj.com/articles/iran-labels-u-s-central-command-a-terrorist-organization-11554750204>.
- Globalresearch.ca. (2015/02/20). "America Has Been at War 93% of the Time – 222 out of 239 Years – Since 1776". Retrieved 2019/09/12, Available at: <https://www.globalresearch.ca/america-has-been-at-war-93-of-the-time-222-out-of-239-years-since-1776/5565946>.
- Gramer, R. and Johnson, K. (2019/07/08). "Unraveling of Iran Nuclear Deal Exposes Europe's Weakness". Retrieved 2019/09/01, Available at: <https://foreignpolicy.com/2019/07/08/unraveling-of-iran-nuclear-deal-exposes-europes-weakness-iran-j-c-p-o-a-uranium-enrichment-deal-breach-trump-sanctions/>.
- Infoplease.com. (2017/02/11). "Military Conflicts in U.S. History". Retrieved 2019/08/28, Available at: <https://www.infoplease.com/us/american-wars/military-conflicts-us-history>.
- IISS. (November, 2019). "Chapter One: Tehran's strategic intent". Retrieved 2019/12/04, Available at: <https://www.iiss.org/publications/strategic-dossiers/iran-dossier/iran-19-03-ch-1-tehrans-strategic-intent>.
- Infoplease.com, (2017/02/28). "Major Military Operations Since World War II". Retrieved 2019/09/20, Available at: <https://www.infoplease.com/history/us/major-military-operations-since-world-war-ii>.
- Karagiannis, E. (2016/02/24). "The rise of Iran as a regional power: Shia empowerment and its limits". Retrieved 2019/10/06, Available at: <https://www.nato.int/docu/review/articles/2016/02/24/the-rise-of-iran-as-a-regional-power-shia-empowerment-and-its-limits/index.html>.
- Karasz, P. (2019/05/25). "Iran Slams U.S. After Middle East Troop Buildup Is Announced". Retrieved 2019/09/14, Available at: <https://www.nytimes.com/2019/05/25/world/middleeast/iran-us-troops-middle-east.html>.
- Keck, Z. (2019/11/04). "How Trump Could Strike Iran: 5 U.S. Weapons That Would Do Some Serious Damage". Retrieved 2019/12/03, Available at: <https://nationalinterest.org/blog/buzz/how-trump-could-strike-iran-5-us-weapons-would-do-some-serious-damage-92736>.
- Kelly, M. (2019/05/08). "American Involvement in Wars from Colonial Times to the Present". Retrieved 2019/09/13, Available at:

- <https://www.thoughtco.com/american-involvement-wars-colonial-times-present-4059761>.
- Macias, A. (2019/03/12). "The Pentagon is asking for a colossal \$718 billion for its 2020 defense budget". Retrieved 2019/08/29, Available at: <https://www.cnbc.com/2019/03/12/the-pentagon-is-asking-for-a-colossal-718-billion-for-its-2020-defense-budget.html>.
- OPRYSKO, C. (2019/06/13). "Trump: Time not right for diplomacy with Iran". Retrieved 2019/09/14, Available at: <https://www.politico.com/story/2019/06/13/donald-trump-iran-tensions-japan-1364558>.
- Pillar, P. (2016). "The Role of Villain: Iran and U.S. Foreign Policy". **Political Science Quarterly**, 131(2), pp 365-385.
- Priess, D. (1996). "Balance-of-threat theory and the genesis of the gulf cooperation council: An interpretative case study". **Security Studies**, 5(4), pp 143-171.
- Raouf, H. (2019). "Iranian quest for regional hegemony: motivations, strategies and constrains". **Review of Economics and Political Science**, 4(3), pp 242-256.
- Silver, C. (2019/06/07). "Top 20 Economies in the World". Retrieved 2019/09/10, Available at: <https://www.investopedia.com/insights/worlds-top-economies/>.
- Simon, S. (2018). "Iran and President Trump: What Is the Endgame?". **Survival**. 60(4), pp 7-20.
- The Guardian. (2017/08/03). "Full transcript of Trump's phone call with Australian prime minister Malcolm Turnbull". Retrieved 2019/08/28, Available at: <https://www.theguardian.com/us-news/2017/aug/04/full-transcript-of-trumps-phone-call-with-australian-prime-minister-malcolm-turnbull>.
- The Heritage Foundation. (2019/10/30). "Middle East". Retrieved 2019/11/12, Available at: <https://www.heritage.org/military-strength/assessing-the-global-operating-environment/middle-east>.
- The White House. (2019/04/08). "Statement from the President on the Designation of the Islamic Revolutionary Guard Corps as a Foreign Terrorist Organization". Retrieved 2019/09/19, Available at: <https://www.whitehouse.gov/briefings-statements/statement-president-designation-islamic-revolutionary-guard-corps-foreign-terrorist-organization/>.
- Thiha Tun, Z. (2019/06/25). "How Petrodollars Affect The U.S. Dollar". Retrieved 2019/09/19, Available at: <https://www.investopedia.com/articles/forex/072915/how-petrodollars-affect-us-dollar.asp>.

- Toossi, S. (2019/10/24). "Iran Is Winning the Battle for the Middle East's Future". Foreign Policy. Retrieved 2019/11/08, Available at: <https://foreignpolicy.com/2019/10/24/iran-is-winning-the-battle-for-the-middle-east-future>.
- Walt, S. (1997). "The Progressive Power of Realism". **American Political Science Review**, 91(04), pp 931-935.
- Wolfsthal, J. and Smith, J. (2018/05/21). "Pompeo's Iran Plan Is a Pipe Dream". Retrieved 2019/09/12, Available at: <https://foreignpolicy.com/2018/05/21/pompeos-iran-nuclear-plan-is-a-pip-dream-trump/>.
- WORLD TRADE ORGANIZATION. (2019). **WORLD TRADE STATISTICAL REVIEW 2019**. [S.l.]: BERNAN PRESS.
- Yale Journal. (2010/07/20). "Balancing Threat: The United States and the Middle East". Retrieved 2019/08/14, Available at: http://yalejournal.org/interview_post/balancing-threat-the-united-states-and-the-middle-east.

۱۴۴

پژوهش‌های
روابط بین‌الملل

فصلنامه

پژوهش‌های

روابط بین‌الملل،

دوره نهم، شماره

پیاپی سی و پنجم،

زمستان ۱۳۹۸

ویژه‌نامه تحولات

منطقه‌ای و

بین‌المللی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی